

# نگاهی منطقه‌ای به آسیای غربی و آفریقای شمالی

پروفسور دکتر عادل البلتاجی

ترجمه: سمیرا رضالهی



چالشها

منطقه آسیای غربی و آفریقای شمالی (Wana)<sup>۱</sup> از مناطق پرتراکم و بسیار متفاوت محسوب می‌شود که از مراکش در غرب تا پاکستان و افغانستان در شرق، ترکیه در شمال و اتیوپی و سودان در جنوب گسترش دارد. منطقه (Wana) آسیای غربی و آفریقای شمالی شامل کشورهای: افغانستان، الجزایر، بحرین، مصر، اریتره، اتیوپی، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، موریتانی، مراکش، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، سوریه، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی و یمن (۲۵ کشور) است.

این منطقه دارای ویژگیهایی است مثل رشد بالای جمعیت که پیشبینی می‌شود شمار آن تا سال ۲۰۲۰ دو برابر شود، بارندگی کم و نامنظم، مناطق زراعی و منابع آبی محدود، که امکان توسعه کشت آبی را نیز کم کرده است. از این رو می‌بایست روشهایی را پیدا کرد که استفاده از

1. Wana: West Asia and North Africa.

این منابع محدود را به طور موثرتری میسر سازد.

در سالهای اخیر، رخدادها و شواهد نگران‌کننده، ضرورت توسعه کشاورزی را در این منطقه جدیتر کرده و همچنین بر خطرات ناشی از خوش‌بینی تأکید داشته است.

این گزارش، اهمیت چنین واقعیاتی را روشن ساخته و مباحثی را که باید برای مقابله با روند رو به افزایش کمبود مواد غذایی، فقر روستاییان و مسائل مدیریت منابع طبیعی منطقه انجام داد، مطرح می‌سازد.

### فقر، مشاغل بخش کشاورزی و مهاجرت

فقر موجود در بسیاری از کشورهای این منطقه در ورای میانگین کشورهای فقیر و کم درآمد نسبت به کشورهای ثروتمند پنهان شده است، بدین معنی که کشورهایی از قبیل بحرین، لیبی، عمان، قطر، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی از صادرکنندگان عمده نفت و کم جمعیت محسوب می‌شوند و این امر تفاوت‌های کلی میان این کشورها و سایر کشورهای منطقه بوجود آورده است. کشورهای صادرکننده نفت تنها با ۵ درصد از کل جمعیت منطقه، بالاترین تولید ناخالص ملی سرانه (GNP) منطقه یعنی به طور متوسط بیش از ۹۰۱۶ دلار آمریکا (جدول شماره ۱) را به خود اختصاص داده‌اند. با وجود این، میزان فوق تنها  $\frac{۱}{۴}$  تولید ناخالص ملی سرانه کشورهای صنعتی است.

۹۵ درصد جمعیت باقیانده منطقه دارای درآمد سرانه به مراتب کمتری می‌باشند. ناحیه غربی منطقه یعنی «عرب‌های ثروتمند» تنها بخش ناچیزی از جمعیت کل منطقه WANA را تشکیل می‌دهد. چهار کشور جنوبی منطقه چون اریتره، اتیوپی، سومالی و سودان که از نظر اقتصادی وضع نامطلوبی دارند، تولید ناخالص ملی سرانه‌شان تنها معادل ۸۸ دلار آمریکا است که کمتر از ۱ درصد سرانه کشورهای کم جمعیت صادرکننده نفت است.

جدول شماره ۱. تولید ناخالص ملی و رشد جمعیت ۷ گروه از کشورهای WANA

جمعیت (میلیون نفر)		بیانگین سرانه تولید ناخالص ملی	
۲۰۲۰	۱۹۹۵	۱۹۹۲	
۵۹	۳۰	۹۰۱۶	صادرکننده نفت کم جمعیت (بحرین، لیبی، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی)
۲۲۲	۱۱۶	۱۹۲۹	صادرکننده نفت پرجمعیت (الجزایر، ایران، عراق)
۴۱	۱۹	۱۰۰۰	کشورهای با میزان رشد سریع جمعیت (سوریه و اردن)
۱۵۰	۱۰۳	۱۵۲۰	رشد جمعیت کشورهای الف در حال تحول (لبنان، موریتانی، مراکش، تونس، ترکیه)
۸۹	۶۳	۵۸۶	رشد جمعیت کشورهای ب در حال تحول (عصر)
۳۱۳	۱۷۵	۳۷۹	شرق منطقه WANA (افغانستان، پاکستان، یمن)
۱۹۱	۹۶	۸۸	جنوب منطقه WANA* (اتیوپی، اریتره، سومالی، سودان)
۱۰۶۵	۵۹۸		کل جمعیت

مأخذ: اطلاعات تولید ناخالص ملی سرانه از پایگاه داده‌ای بانک جهانی، فائوستات سال ۱۹۹۵ تهیه شده است.

\* در مورد سال ۱۹۹۳ از پروژه جمعیت سازمان ملل جمع‌آوری شده است.

کشورهای صادرکننده نفت با جمعیت زیاد (نظیر الجزایر، ایران و عراق) دارای تولید ناخالص ملی سرانه در حدود ۱۹۲۹ دلار آمریکا می‌باشند. سایر کشورهای منطقه که ۷۶ درصد از جمعیت کل منطقه را تشکیل می‌دهند (یعنی ۴۵۲ میلیون نفر) دارای تولید ناخالص ملی سرانه‌ای کمتر از دو دلار در روز می‌باشند و ۴۲ درصد از کل جمعیت منطقه (یعنی در حدود ۲۷۱ میلیون نفر) نیز دارای تولید ناخالص ملی سرانه کمتر از یک دلار در روز هستند که در شرایط بسیار شدید فقر به سر می‌برند.

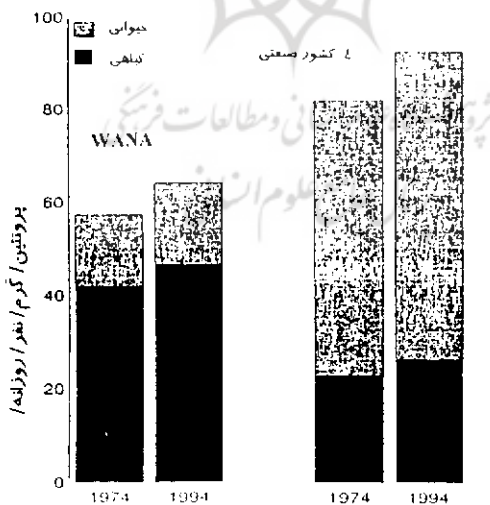
در نواحی روستایی، میزان فقر به مراتب بسیار شدیدتر از نواحی شهری منطقه ذکر شده است. برای مثال ۵۹ درصد از جمعیت کشورهای افغانستان، اریتره، سومالی، سودان و یمن زیر خط فقر یک دلار در روز به سر می‌برند که ۹۰ درصد از این میزان ساکن نواحی روستایی

هستند. تفاوت‌های اقتصادی زیاد روند مهاجرت‌های روستایی به شهرها و کشورهای فقیر به ثروتمند را همچنان تداوم بخشیده است.

در حدود ۷۷ درصد از نیروی اشتغال به کار کشورهای افغانستان، اریتره، اتیوپی، سومالی، سودان و ین از بخش کشاورزی‌اند و در کشورهای دارای درآمد بیشتر، این میزان به مقدار قابل توجهی رو به کاهش است. در منطقه WANA، زنان در حدود نیمی از نیروی اشتغال به کار بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند که خود نسبت به میزان کل نیروی کار دارای سهم قابل توجهی است.

### مصرف و تولید مواد غذایی

کالری و پروتئین مصرفی در تغذیه انسان در منطقه WANA به طور عمده از منابع گیاهی به خصوص غلات و تا حدودی حبوبات تأمین می‌شود و در یک مقایسه اجمالی با کشورهای صنعتی، می‌توان پی برد که افراد در جوامع صنعتی پروتئین مصرفی خود را بیشتر از منابع حیوانی تأمین می‌کنند (شکل ۱).



مآخذ: جانسون، (۹۵) - ژاپن - فرانسه - افغانستان و آمریکا

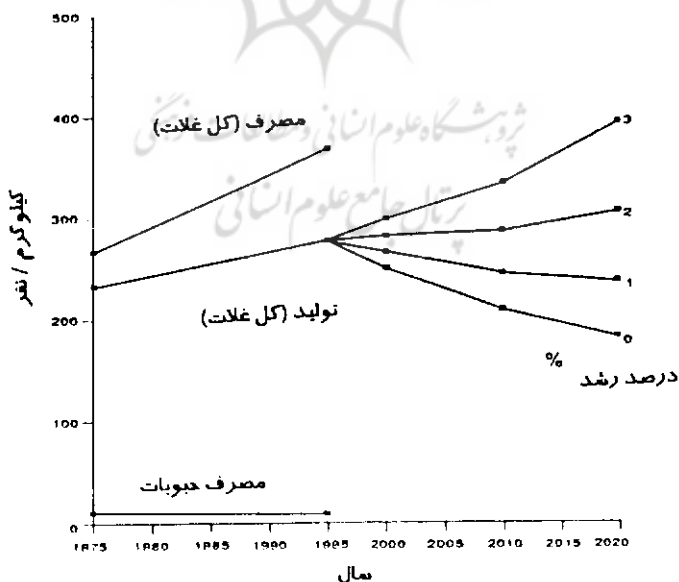
شکل شماره ۱. منابع پروتئین در رژیم غذایی انسان

طی دو دهه گذشته رژیم غذایی افراد در بیشتر نواحی این منطقه بهبود یافته است، اما هنوز مصرف پروتئین از نظر کمی و کیفی به حد مطلوب نرسیده است.

با اینکه پروتئین و ویتامینهای اصلی در فراورده‌های دامی به مقدار زیاد (از قبیل لبنیات، گوشت سفید و قرمز) یافت می‌شود، اما نقش چندان زیادی در رژیم غذایی این منطقه نداشته و در مقایسه با کشورهای صنعتی که مواد پروتئینی را در برخی موارد به حد افراط مصرف می‌کنند، بسیار ناچیز است.

در کشورهای فقیرتر این منطقه، کمبود ویتامین در تغذیه زنان و کودکان می‌تواند عوارض منفی و دائمی در کیفیت زندگی آنها داشته باشد. تعداد نوزادان مبتلا به سوء تغذیه بسیار هشداردهنده است یعنی ۶/۶ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. این میزان ۲/۱ درصد بیشتر از میزان متوسط آن در کشورهای در حال توسعه است.

در شکل شماره ۲، بر مبنای آمار فائو FAO میزان متوسط غلات، مصرف غلات (به علاوه حبوبات) و حبوبات به تنهایی در دوره‌های پنج‌ساله از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ به صورت سرانه غایش داده شده است. در نمودار، میزان مصرف شامل خوراک دام و بویژه خوراک انسان است.



شکل شماره ۲. تولید مصرف سرانه غلات و حبوبات و مصرف حبوبات به تنهایی

در مصر

کشاورزی در مصر به طور کلی آبی است، و این کشور نمی تواند برای بیشتر کشورهای منطقه WANA که اغلب کشاورزی دیم در آنها رایج است، الگو باشد. با استفاده بهینه و کاربردی از نتایج تحقیقات و سیاستها، تولید غلات در کشور مصر رو به افزایش است، اما این روند هگام با رشد جمعیت نیست. در این کشور مصرف کل سرانه غلات افزایش یافته، در حالی که مصرف حبوبات همچنان ثابت است، رشد درآمد و تسهیلات در قیمتگذاری، امکان واردات غلات را برای رفع نیازهای غذایی و خوراک دام فراهم کرده است.

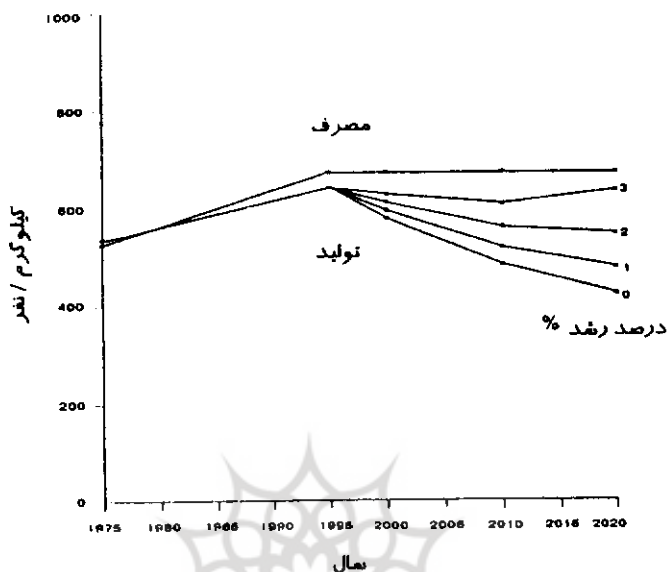
نقش حبوبات در تغذیه انسان به رغم مقادیر مصرف کم آنها مهم است زیرا، دارای میزان انرژی و پروتئین قابل توجهی است و مصرف آن در برنامه غذایی افراد فقیر می تواند جایگزین فراورده های دامی شود. افزودن عدس، باقلا و نخود رسمی به برنامه غذایی که بر مبنای مصرف بیشتر غلات است، باعث می شود بیشترین مقادیر مواد معدنی و اسیدهای آمینه تأمین شود و در واقع حبوبات «غذای اصلی مردم فقیر» است.

برنامه ریزی برای تولید غلات در مصر برای سال ۲۰۲۰، بر مبنای متوسط رشد پنجساله ۱۹۹۱-۱۹۹۵ محاسبه شده است. بر اساس برآورد جمعیت از سوی سازمان ملل چهارگونه میزان رشد در تولید محصولات در نظر گرفته شده که این امکان را فراهم می سازد تا تصویری از میزان تولید سرانه در سال ۲۰۲۰، در حد بالاتر و پایینتر آن داشته باشیم. تثبیت میزان رشد تولید سالانه ۳ درصد، تا سال ۲۰۲۰ مستلزم تلاشهای زیادی خواهد بود. از طرفی، احتمال رشد صفر درصد نیز می رود، اما انتظار بر این است که روند تولیدات رو به افزایش باشد. دستیابی به رشد ۲ درصد امکانپذیر بوده لیکن مستلزم توسعه و بهبود سیاسی و فنی آن است.

علاوه بر غلات و حبوبات، در کشور مصر میوه، سبزی، روغنهای خوراکی، گوشت و فراورده های لبنی و تخم مرغ نیز تولید و مصرف می شوند و مصرف سرانه این مواد غذایی رو به افزایش است. اگر فرض کنیم که مصرف سرانه این مواد غذایی با همان مقدار سال ۱۹۹۵ بدون تغییر باقی بماند، تولید داخلی باید سالانه رشدی در حدود ۲ درصد داشته باشد تا در سال ۲۰۲۰ نیاز به واردات مواد غذایی نباشد. با رشد مصرف سرانه، رویارویی و مبارزه با این مسئله نیز افزایش یابد. (شکل ۳)

نگاهی منطقه‌ای به ...

هدف اصلی کشور مصر، رسیدن به توازن اقتصادی در محصولات کشاورزی از طریق هماهنگی قیمت‌های داخلی با بازارهای جهانی است.



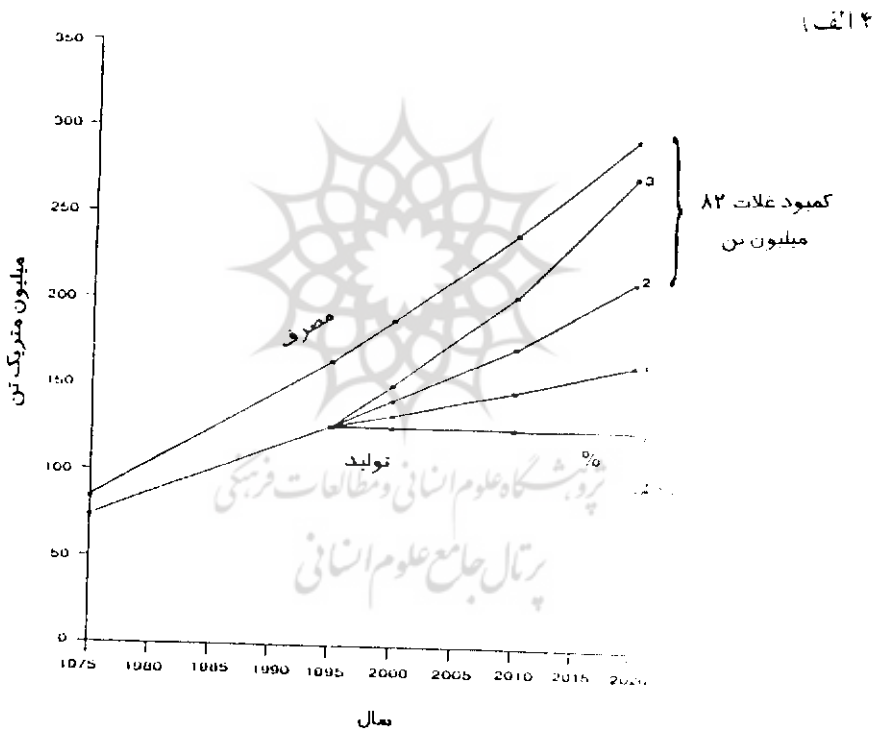
شکل شماره ۳. تولید و مصرف سرانه مواد غذایی در مصر

سایر کشورهای منطقه دچار مسائلی به مراتب جدی‌تر از مصر می‌باشند. برای مثال پاکستان، افغانستان، سودان و اتیوپی، واردات غلات بسیار ناچیزی نسبت به میزان رشد جمعیت خود دارند که با رشد تولید برابر نیست. در سال ۱۹۹۵ آمار مصرف سرانه این کشورها، کمتر از مصرف سرانه سال ۱۹۷۵ کشور مصر، (کمتر از نیمی از مصرف مصر) بوده است. در این کشورها، رشد مصرف سرانه نسبت به سال ۱۹۹۵ ضروری بوده و افزایش آن بنا به خواسته و نیاز میسر نمی‌شود بلکه با تقاضای افراد جامعه که نسبت مستقیم با درآمد آنها دارد عملی می‌گردد.

در برابر، کشور ترکیه دارای تولید سرانه‌ای حدود دو برابر کشور مصر است. بارندگی فراوان، خاک حاصلخیز و بهبود سیاست‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی، این کشور را تبدیل به تنها کشور عمده صادرکننده غلات در منطقه WANA، کرده است. بیشتر تحلیلیها و بررسیها در منطقه WANA مربوط به کشور ترکیه است که این امر قابلیت فراوری

ناحیه را تحت تأثیر خود قرار داده است.

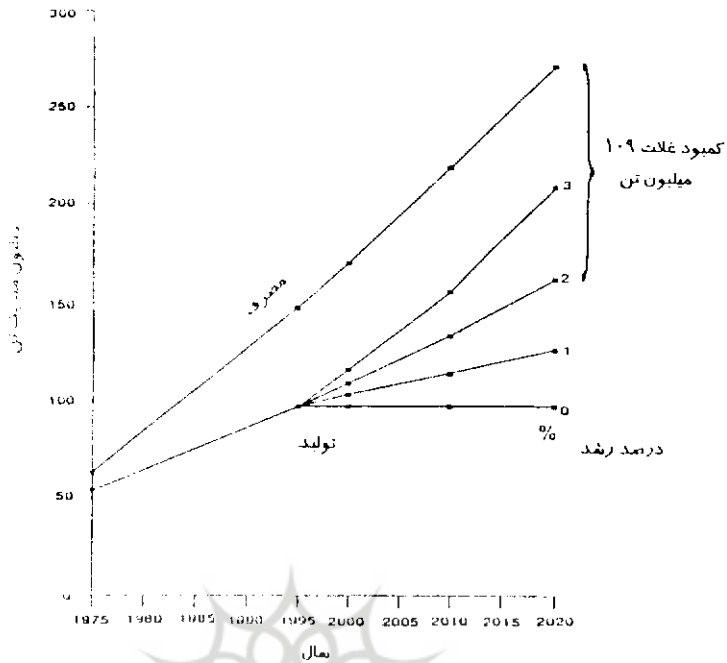
اگر مصرف سرانه غلات در سال ۱۹۹۵، تا سال ۲۰۲۰ در ۲۵ کشور منطقه همچنان ثابت بماند و سسمنهای سازمان ملل در مورد جمعیت نیز تحقق پیدا کند، انتظار می‌رود میزان کل مصرف غلات در آن زمان، در ۲۴ کشور، به حدود ۲۹۵ میلیون تن برسد. تولید غلات نیز با رسیدن به حدود ۲۱۳ میلیون تن در سال ۲۰۲۰ برآورد می‌شود. کمبود غلات در سال ۱۹۹۵ حدود ۶۸ میلیون تن بوده است. اگر میزان رشد تولید سالانه همچنان ۲ درصد تا سال ۲۰۲۰ ثابت بماند، میزان کمبود غلات در ۲۴ کشور منطقه، به ۸۲ میلیون تن خواهد رسید. (شکل ۴ الف)



شکل شماره ۴ الف. تولید و مصرف کل غلات در ۲۵ کشور WANA (به همراه ترکیه)

اگر ترکیه را در گروه کشورهای منطقه به حساب نیاوریم، میزان کمبود غلات در کل ۲۴ کشور منطقه WANA نسبت به سال ۱۹۹۵، در حدود ۵۱ میلیون تن خواهد بود. این کمبود تا سال ۲۰۲۰ به ۱۰۹ میلیون تن نیز خواهد رسید (شکل ۴ ب). چنین برآورد محافظه کارانه‌ای، تنها در صورتی معتبر است که مصرف سرانه و مصرف تغییر نیافته باشد.





شکل شماره ۴ ب. تولید و مصرف کل غلات در ۲۳ کشور WANA (به جز ترکیه) در صورتی که قیمت هر تن غله ۱۳۰ دلار آمریکا تعیین شود، ۱۰۹ میلیون تن غله، سالانه، ارزشی حدود ۱۴/۲ میلیارد دلار خواهد داشت. تصور حمل ۱۰۹ میلیون تن واردات غلات مورد نیاز منطقه WANA در سال ۲۰۲۰، همانند قطاری به طول ۱۶۰۰۰ کیلومتر است. (شکل ۵)



شماره ۵ > قطاری به طول ۱۶۰۰۰ کیلومتر برای حمل ۱۰۹ میلیون تن غله

شکل شماره ۵. قطاری به طول ۱۶۰۰۰ کیلومتر برای حمل ۱۰۹ میلیون تن غله

کمبود داخلی مواد غذایی و هزینه بالای واردات، بر روی قشر فقیرتر کشور تأثیر نامساعد می‌گذارد. این طبقه برای تأمین مواد غذایی بیشترین بخش درآمد خود را مصرف می‌کند. ایجاد شرایط محیطی مناسبتر برای درآمد بیشتر این قشر ناکافی بوده، اما افزایش درآمد به میزان بالاتر از خط فقر نیز امکانپذیر است. به جز چنین مسائلی، پیشبینی بهبود وضعیت انبوه روستاییان نسبت به منابع طبیعی مورد بهره‌برداری آنها، هنوز نامیدکننده است.

مقابله با مسائل کشورهای واردکننده غلات منطقه WANA در واقع بسیار دشوار است:

- چگونه باید رشد تولیدات را ثابت نگه داشت؟

- برای رسیدن به درآمد کافی در رفع کمبود غلات از طریق واردات چه اقداماتی باید

صورت گیرد؟

- و چه اقداماتی برای تقویت منابع طبیعی می‌توان انجام داد؟

### مراقبت از منابع طبیعی

در بررسی منابع طبیعی در کشورهای منطقه WANA، کمبود آب مشهود است، بنابراین هدف اصلی استفاده بهینه از آب است. نیاز به حفظ و کاهش هزینه در نظامهای آبیاری روش صحیح برای استفاده از آب محسوب می‌شود.

استفاده مطلوب از آب باید در مزرعه و جوامع نیز رواج یابد که آن نیز مستلزم تلفیق گزینه‌های فنی و سیاستی در تأمین مدیریت تقاضای آب است.

کاهش حاصلخیزی خاک، رسوم موروثی و قوانین تقسیم اراضی، از جمله دلایل کاهش بهره‌وری در منابع طبیعی است. مراتع موجود در منطقه WANA، ۳۰ درصد از کل اراضی را تشکیل می‌دهد که یک سوم از جمعیت ۴۲۰ میلیونی نشخوارکنندگان کوچک را تغذیه می‌کند نمونه‌ای از مراتع در شرایط نابسامان منطقه است.

مدیریت سنتی (محصولات و مراتع) خطری جدی برای مراتع محسوب می‌شود و به دنبال آن فرسایش خاک ناشی از وزش باد، هدر رفتن آب و سایر عوامل، در جایی که خاک از بین نمی‌رود، ضعیف بودن خاک، بذر اصلاح نشده که نتیجه نابسامانی مدیریت است از جمله مواردی

نگاهی منطقه‌ای به ...

است که می‌توان بزشرد. مراتع حاصلخیز نسبت به وسعت کل اراضی منطقه، دلالت بر کاهش جذب کربن و در نتیجه گرم شدن و تغییرات آب و هوایی در سطح جهانی دارد.

منبع عمده‌ای که مورد توجه جهانیان قرار گرفته و نباید از آن صرف نظر کرد، موضوع تنوع زیستی است. گونه‌های نباتی اصیل و مرغوبی در بخش وسیعی از منطقه در حال از بین رفتن است. این اتفاق در جایی است که برخی از مهمترین غلات (گندم و جو) و حبوبات (عدس، نخود رسمی و حبوبات علوفه‌ای) در آن رشد می‌کند و نیز نوع وحشی گیاهان ذکر شده هنوز در این مناطق یافت می‌شود. زیانهای وارد بر خاک، آب، و سبزینه‌ها در نبود کردن منابع اصلی طبیعی در این منطقه پیامدهای ناگوار برای بشریت به همراه دارد.

تعداد زیادی از افراد فقیر ساکن روستاها در مناطق به سر می‌برند که بازدهی کم آنها ناشی از محدودیتهای منابع آب و زمین است. در واقع فقر است که آنان و بخصوص قشر جوان و فعال را تشویق به مهاجرت می‌کند و زنان، سالمندان و کودکان هستند که مراقبت از زمین را برعهده می‌گیرند. اعمال سیاستهای مناسب و امنیت بیشتر برای سرمایه‌گذاری در زمین و تولید و ایجاد زیرساختهای مناسب برای ارتباطات و حمل و نقل، مدارس، درمانگاهها و اعتبارات روستایی و غیره همگام با فن آوری کاراتر، نه تنها سبب افزایش تولید برای روستاییان است، بلکه موجب خوشنودی و دلگرمی آنان برای مهاجرت نکردن و اقامت در روستاها خواهد بود. این موارد به حل دو مسئله عمده کمک می‌کند: مهاجرت روستاییان به شهرها و ضعف و کمبود در تولیدات داخلی محصولات کشاورزی. زندگی در زیرخط فقر سرمایه‌گذاری، بدین معناست که این مردم تلاش و هزینه کمتری برای احیاء و نگهداری منابع تنوع زیستی خود صرف می‌کنند. مؤسسات مالی از قبیل بانک جهانی پاسخگوی این نیازها هستند و سیاستهای خود را بنا به نیازهای مالی روستاییان و برای حمایت آنان و تقویت برنامه‌هایی در جهت ارتقای جامعه خود ساخته روستاییان هماهنگ می‌سازند.

## ۵. هماهنگی و تلفیق اقتصاد جهانی با امنیت غذایی

استفاده مطلوب از طبیعت، انسان و سرمایه در هر کشور برای بخش کشاورزی امکان مشارکت پایداری را در جهت امنیت غذایی فراهم می‌سازد. این به معنی کاهش خودکفایی غذایی از جنبه غیراقتصادی آن در تأیید اقتصاد خود محوری است. ماهیت متغیر بهره‌وری در نظام زراعت دیم و بهینه‌سازی انبارها و ذخایر غلات وارداتی در آینده مورد توجه بیشتری قرار خواهد گرفت.

کشورهای WANA که به طور روزافزون به واردات مواد غذایی وابسته‌اند به زودی متوجه خواهند شد که همان طور که کشورهای توسعه یافته، یارانه تولیدات و صادراتشان را طبق توصیه‌های سازمان تجارت جهانی کاهش می‌دهند، هزینه غذایی آنها افزایش خواهد یافت و هماهنگی با بازارهای جهانی ضرورت بیشتری خواهد یافت. سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، مدیریت منابع طبیعی، تحقیقات و توسعه تکنولوژی لازم و ضروری است.

مسائل زیر نکات مهمی است که تحقیقات بخش کشاورزی در WANA می‌تواند به امنیت جهانی غذا و رونق آن یاری رساند.

- در جایی که کشاورزان و دامداران امنیت استیجاری نداشته باشند، و یا در جایی که حق آب به طور مشخصی تعریف نشده باشد، نمی‌توان از مردم انتظار داشت مسئولیت دراز مدت منابع طبیعی را که از آن استفاده می‌کنند، بر عهده گیرند. این مسائل برای روشهای تحقیقات مهم و اساسی است.

- ایجاد روشهای کاربردی بهینه در کشاورزی (از نظر اقتصادی و زیستمحیطی) و ترغیب کشاورزان برای سازگاری با این روشها در تولید پایدار و اصلاح راندمان مصرف آب ضروری است.

- باید برای رفع نیاز افراد بسیار فقیر، یعنی کسانی که خرده دامدار محسوب می‌شوند امکان افزایش استفاده از چراگاهها و بقایای گیاهی را (پس از برداشت محصول) فراهم آورد، باید تحقیقات تغذیه و اصلاح نژاد دام افزایش یابد و در مورد دامپزشکی داخلی و سرمایه‌گذاری رونق نژاد اقدامات مؤثری صورت پذیرد.

نگاهی منطقه‌ای به ...

- حفظ و ارتقای منابع ژنتیکی حیوانی و گیاهی برای آینده ضروری است نه تنها برای WANA بلکه برای تمام سیستمهای تولید غذا در جهان.

- بخشهای غیررسمی و سنتی اصلاح بذر می‌بایست به وسیله تحقیقات استراتژیک بر روی روشها، ارتقا یافته و از اطلاعات کافی آگاهی پیدا کرده و به طور گسترده حمایت شود. چالش در بخش کشاورزی و منابع طبیعی WANA دشوار است و باید از هم‌اکنون با آن روبه‌رو شویم. زیرا اعتقاد بر این است که توسعه پایدار در بخش کشاورزی نه تنها کمبودهای مصرف غذایی آینده را در منطقه برطرف می‌سازد، بلکه به طور کلی توسعه و ایجاد اشتغال و نیز اهمیت کاهش فقر و حفظ و ارتقای منابع طبیعی را که برای آینده حیاتی است، حمایت می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی